

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين سيدنا محمد و على آله وصحبه أجمعين.

**هدف از آفرینش انس و جن** عبادت خداوند عزوجل است، خداوند فرماید: وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون ما أريد

منهم من رزق وما أريد أن يطعمون. الذاریات ۵۶-۵۷.

جن و انس را نیافریدم بجز برای آنکه مرا بندگی کنند، از آنان هیچ روزی ای نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که به من خوراک دهند. انگیزه بعثت پیامبران هدایت بشر برای عبادت خداوند بوده است، چنانکه فرماید: ولقد بعثنا فی کل أمة رسولا أن اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت. النحل ۳۶. به یقین در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدا را بندگی کنید و از طاغوت پرهیزید.

عبادت معنا و مفهومی وسیع و گسترده دارد، و شامل هر عملی که جلب رضایت و خشنودی خداوند، و دوری از منہیات می‌باشد، اما متأسفانه بعضی عبادت را منحصر در عمل به ارکان اسلام دانسته، در صورتیکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((الإيمان بضع وسبعون أو بضع وستون شعبة! أعلاها شهادة أن لا إله إلا الله وأدناها إماطة الأذى عن الطريق)). متفق علیه.

ایمان هفتاد و چند و یا شصت و چند شعبه است، بالاترین درجه ایمان شهادت به یکتائی خداوند است، و کمترین درجه آن سد معبر از راه و مسیر مردم می‌باشد.

و توسل از مهمترین انواع عبادتها است، که عظمت آن بر بسیاری مخفی است، و برای تقرب به خداوند توسل غیر مشروع انجام می‌دهند، که آنها را به ورطه شرک وارد می‌کند.

خداوند می‌فرماید: يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وابتغوا إليه الوسيلة وجاهدوا في سبيله لعلكم تفلحون. المائدة ۳۵.

ای مؤمنان از خدا بترسید، و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید، و در راه او جهاد کنید تا اینکه رستگار شوید. توسل عبارت است از وسیله قرار دادن هر نوع عمل صالحی که موجت رضایت خدا و تقرب بدو گردد.

کتاب مزبور که نوشته دانشمند محترم شیخ عبدالعزیز بن عبدالله الجهنی در موضوع توسل است مباحث بسیار با ارزشی ارائه داده است، امید است که با ترجمه این کتاب به عزیزان فارسی زبان خدمتی متواضعانه کرده باشم، از خداوند خواهانم آنرا خالص برای رضا و خشنودی خود قرار فرماید .

توسل: بوسیله چیزی به کسی نزدیکی جستن، وسیله قرار دادن، دست بدامن شدن، درخواست، تقاضا، التماس. مشروع: آنچه مطابق شرع باشد و شرع آنرا روا و جایز بداند، شرعی .

منوع: منع شده، بازداشته شده، نهی شده، غیر جایز.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه.

اسحق بن عبدالله دبیری

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين أما بعد:

کسی که در تاریخ و سیرت رسول الله ﷺ دقت کند درک خواهد کرد که ایشان در میان مردمی مبعوث شدند که در مورد مردگان و اولیاء غلو می‌کردند، و این غلو و زیاده روی سبب خارج شدن آنها از دین ابراهیم خلیل ﷺ شده بود.

و واضح است که دین ابراهیم ﷺ دعوت مردم بسوی یگانه پرستی بود، و همچنین معلوم است که عبادت انواع مختلفی دارد، از آن جمله:

احسان، نماز، زکات، سایر ارکان اسلام، دعا، ذبح، نذر، طلب کمک، فریادرسی، پناه جستن، بیم و ترس، امید، رغبت و رهبت و غیره می باشد.

دینداری قبل از بعثت رسول الله ﷺ و رد بر آن

عرب جاهلیت بعضی از انواع عبادت‌های فوق را برای غیر از خدای یکتا انجام می دادند، و معتقد بودند که اولیا نزد خداوند مکانت و منزلت عظیمی دارند، و می‌توانند نیازها و خواسته های آنان را به خداوند برسانند، مانند بت لات که در شهر طائف ( ) و اطرافش پرستش می‌کردند، آن بت نام مردی صالح و نیکوکار بود که قبل از مردن به مردم کمک می کرد، او مخصوصاً حجاج خانه خدا را کمک می‌کرد، و به آنها یک نوع از غذا که آنرا (سویق) ( ) گویند هدیه می‌داد.

وقتی از دنیا رفت مردم به خوبی از او یاد می‌کردند و قبر او را زیارت می‌کردند، سپس گنبدی را بر او ساختند و به او توسل می‌جستند، و قبر او را طواف می‌کردند، و برای رفع نیازها و مشکلاتشان از او کمک می‌خواستند، و در مورد بت‌های دیگر بنام عزّی و منات نیز اینچنین بود.

چنانکه خداوند می‌فرماید: **إِفْرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ (۱۹) وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ (۲۰) أَلَكُمُ الدَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ (۲۱) تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ (۲۲) إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ. النجم: ۲۳.**

[آیا چنین می بینید (و اینگونه معتقدید) که لات و عزّی و منات، سومین بت دیگر (معبود شما و دختران خدایند، و دارای قدرت و عظمت می‌باشند؟). آیا پسر مال شما باشد، و دختران مال خدا؟! (در حالی که به گمان شما دختران کم ارزش تر از پسرانند؟!)] در این صورت، این تقسیم ظالمانه و ستمگرانه ای است. اینها فقط نام‌هایی (بی محتوی و اسم‌هایی بی مسمی) است که شما و

پدرانتان (از پیش خود) بر آنها گذاشته اند. هرگز خداوند دلیل و حجتی (بر صحت آنها) نازل نکرده است.]

در حالیکه می‌دانستند بتهایی که از آنان طلب کمک می‌کنند هیچ چیز را نیافریده اند، و هیچ رزق و روزی و زندگی و مرگی را در اختیار ندارند، و هیچ چیزی نمی‌توانند انجام دهند، چنانکه خداوند درباره مشرکین چنین می‌فرماید: قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (31)). سورة يونس.

[بگو: چه کسی از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ یا کیست که حاکم بر گوش و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و کیست که کار (هستی) را تدبیر می‌کند؟ خواهند گفت: خدا. پس بگو: آیا پروا نمی‌کنید؟].

منظور آیه این است که از آنجائیکه خداوند همه کارها را انجام می‌دهد پس چرا از خداوند نمی‌ترسید تا بدینوسیله عبادت را فقط برای او انجام دهید، کما اینکه او را آفریننده قرار داده اید.

پس از اینجا معلوم می‌شود که مردم زمان جاهلیت منظورشان از طلب دعا از این بتهای، فقط قربت به خداوند بوده است چون گمان می‌بردند که خداوند دعای اینها را اجابت کرده، و خواسته آنها را برآورده می‌کند، و این نهایت کوتاهی در حق خداست، چون خدا مانند بشر نیست تا اینکه به کمک نیاز داشته باشد، اما بشر به کمک نیاز دارد زیرا به همه چیز احاطه ندارند.

و از آنجا معلوم می‌شود کسی که غیر از خدا به فریاد طلبد و از او چیزی بخواهد که غیر از خدا انجام آن کار را نمی‌تواند او مشرک است، چنانکه خداوند این شبهه را بیان فرموده است: إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (194)). سورة الأعراف.

[بتهایی را که بجز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، بندگانی همچون خود شما هستند (و کاری از آنها ساخته نیست و نمی‌توانند فریاد رس شما باشند). آنان را به فریاد خوانید و (از ایشان استمداد جویید) اگر راست می‌گویید (که کاری از ایشان ساخته است) باید که به شما پاسخ دهند (و نیاز شما را بر آورده کنند)].

خداوند در قرآن کریم ذکر کرده اند که این مردگان دعای مددخواهان را نمی‌شنوند، و فرضاً اگر هم بشنوند نمی‌توانند آنها را اجابت کنند، و روز قیامت این عمل را انکار می‌کنند. و عملشان به نص قرآن شرک گفته شده، چنانکه خداوند می‌فرماید: إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (14). سورة فاطر.

[اگر آنها را به فریاد بخوانید صدای شما را نمی‌شنوند و به فرض اگر بشنوند، توانایی پاسخ گویی به شما را ندارند، و (گذشته از این) در روز قیامت انبازگری و شرک ورزی شما را رد می‌کنند (و می‌گویند: شما ما را پرستش نکرده اید و بی خود می‌گویید) و هیچ کسی همچون (خداوند) آگاه از احوال آخرت، بگونه قطع و یقین، از چنین مطالبی تو را با خبر نمی‌سازد] پس هر مرده ای که چون از آنها کمک خواسته شود استجابت نمی‌کند چنانکه می‌فرماید: إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى (80)). سورة النمل.

[بی گمان تو نمی‌توانی مرده دلان (زنده نما) را شنوا بگردانی].

وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ (22)). سورة فاطر.

[و تو نمی‌توانی مردگان آرامیده در گورها را شنوا گردانی].

مردگان از غیب خبر ندارند حتی رسول الله ﷺ، پس دیگران چگونه می‌توانند از غیب باخبر باشند، و چگونه شخص مرده می‌داند که فلانی به نزد قبر او آمد و از او مدد خواست، خداوند می‌فرماید: قُلْ لَّا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (188)). سورة الأعراف.

[بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم، مگر آنچه خدا بر من خواسته، و اگر من از غیب جز آنچه بوحی می‌دانم، آگاه بودم، بر خیر و نفع خود همیشه می‌افزودم، و هیچ گاه زیان و رنج نمی‌دیدم، من نیستم مگر رسولی ترساننده، و بشارت دهنده مؤمنان].  
پس اینها از کسانی مدد می‌خواهند که وجود ندارند، و طلب شفاعت به جاه و منزلت آنها جایز نیست، زیرا خداوند مشرکین عرب را کافر دانستند، چون از مردگان طلب شفاعت می‌کردند، با اینحال که می‌گفتند: مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى (3)). سورة الزمر.  
[ما آن (بتها) را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را به درگاه خدا مقرب گردانند].

یعنی ما آنها را به فریاد نمی‌طلبیم زیرا به فریاد طلبیدن همان عبادت است. این مطلب در صفحات آینده ذکر خواهد شد و آنها را به شفاعت طلبیدن بزرگترین اشتباه است. زیرا خداوند می‌فرماید: مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ (255)). سورة البقرة.

[چه کسی جرأت دارد در پیشگاه او بشفاعت برخیزد مگر بفرمان او].

و می‌فرماید: وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَن ارْتَضَى (28)). سورة الأنبياء.

[و هرگز آن مقربان درگاه، از احدی جز آنکس که خدا از او راضی است، شفاعت نمی‌کنند].

و او سبحانه طلب شفاعت از مردگان جایز نمی‌داند، زیرا مرده قدرت در شفاعت ندارد، پس چگونه از کسیکه نمی‌تواند کاری انجام دهد طلب شفاعت می‌کند، پس شفاعت از کسی خواسته می‌شود که می‌تواند آنرا انجام دهد، و آنها هم خداوند متعال.

شفاعت حق

پس از خداوند می‌خواهیم تا لطف خود را در روز قیامت با بهره مند شدن از شفاعت صالحین بما عطا فرماید، حال چه این شفاعت برای کسی باشد که مستحق آتش دوزخ است، و چه برای بالا بردن درجات ما در بهشت، و همانند اینها.

و هیچ شفاعت کننده ای نمی‌تواند شفاعت کند مگر با اجازه خداوند، اگر هم از فرشتگان مقرب و یا پیامبر فرستاده شده ای باشد، پس چه رسد به کسی که منزلت او کمتر و کوچکتر است .

خداوند می‌فرماید: وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مَن بَعَدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى (26)). سورة

النجم.

[چه بسیار فرشتگانی که در آسمانها هستند و (با وجود عظمت و بزرگواریشان) شفاعت ایشان سودی نمی‌بخشد و کاری نمی‌سازد، مگر بعد از آنکه خدا (به شفیع) اجازه دهد، و (از مشفوع له) راضی و خشنود گردد]. و می‌فرماید: **مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ (255)**)).

سورة البقرة.

[کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟].

و می‌فرماید: **وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ (28)**)). سورة الانبياء.

[و آنان هرگز برای کسی شفاعت نمی‌کنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خشنود است و همیشه از خوف خدا ترسان و هراسانند].

پس بنابر این شفاعت بر دو نوع تقسیم می‌شود:

اول شفاعت مشروع (جایز):

آنها مخصوص اهل اخلاص است و فقط از خداوند طلب می‌شود، و از هیچ کس خواسته نمی‌شود مگر خداوند، زیرا چنانکه قبلاً ذکر کردیم هیچ کس شفاعت نمی‌کند مگر با اجازه خدا، و رضا و خشنودی او تبارک و تعالی، و اینکه از کسی که در باره او شفاعت می‌شود راضی باشد، پس اگر برای کسی که در باره او شفاعت می‌شود، موحد و یکتاپرست باشد، شفاعت، شفاعت کنان یاذن الله برایش نفع می‌رساند، حال چه آن شفاعت کننده از پیامبران و یا انبیاء و یا صدیقین و یا اولیاء و یا از صالحین باشد .

دوم شفاعت منفی (غیر جایز):

آنها شفاعتی است که از غیر خدا خواسته می‌شود، مانند کسی که از مردگان، یا غایب، یا جن شفاعت بخواهد، زیرا از کسی که قدرت و استطاعت آنرا ندارد خواسته می‌شود، و قبلاً ذکر شد که در قرآن آمده که مرده نمی‌شنود، و غایب از غیب خبر ندارد، و همچنین اولیاء الله و صالحین مردگان نمی‌دانند آیا کسی نزد قبرشان آمده و از آنها مدد خواسته یا از آنها طلب شفاعت کرده، و مانند اینها یا خیر .

پس از اینجا معلوم می‌شود که برای کافر و مشرک شفاعت نمی‌شود، و از جمله آنها کسانی هستند که غیر از خدا را می‌طلبند، و با ذبح و نذر را برای غیر از خدا انجام می‌دهند.

خواننده باهوش و زیرک: خداوند می‌فرماید: **وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ (۲۰) أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (21)** . سورة النحل.

[و بدانید آنچه را غیر از خدا می‌خوانید او چیزی خلق نکرده، و خود نیز مخلوق است، اینها مرده و از زندگی بی‌بهره اند، و هیچ

حس و شعور ندارند که در چه هنگام مبعوث می‌شوند].

یعنی آن اولیاء و صالحین مرده اند و زنده نیستند، و آنها از مردگان چیزی خواستند که در مقدور آنها نیست، بخلاف اینکه مرد صالح و نیکوکار زنده باشد، در اینحال جایز است که از او چیزی که می‌تواند خواست، مانند اینکه بگوئی: ای شیخ از خدا این و این را برای من بخواه، یا بگوید: ای فلانی به من کمک کن تا بدهیم را بپردازم، یا به من کمک کن تا این بار را بر سواریم حمل کنم، و مانند آنچه در استطاعت یاری اوست.

بعد از اینکه بطور خلاصه موجزی از حال اهل جاهلیت و نادان که رسول اکرم □ به فرمان خدا با آنها جنگید، اگر واقع مردم مسلمان را نگاه کنیم در خود این سؤال مطرح می‌شود که: چه فرقی بین آن نادانان و جاهلان، و بین کسانی که اولیاء و صالحین مردگان یا غایبها را نداء می‌کنند و در این زمان است وجود دارد؟

و در جواب می‌گوییم: هیچ فرقی بین این دو گروه وجود ندارد، آنها از چند نکته:

۱ - آنها اعتقاد دارند که از ملک خدا هیچ چیز ندارند، و همچنین اهل این عصر به نزد قبرهای اولیا و صالحین رفته همین اعتقاد را دارند، در حسین بن علی رضی الله عنهما، و عبدالقادر الجیلانی، و السید البدوی رحمهم الله و غیر از اینها که از ملک خدا هیچ چیز ندارند .

۲ - اهل جاهلیت این اعتقاد داشتند که صالحین مرده نزد خدا جاه و منزلت دارند، پس نیازهای آنها را بسوی خدا می‌رسانند، و معتقدند که آنان را بخدا نزدیک می‌کنند، با این حال خداوند آنان را کافر دانسته است، چنانکه آنها می‌گفتند: هُوَ لَاءِ شَفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ (18)). سوره یونس. [اینها میانجی های ما در نزد خدایند].

وگفتند: مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى (3)). سوره الزمر.

[ما این (بتها) را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را بدرگاه خدا مقرب گردانند].

واینچنین است حال کسانی که امروزه به قبرستانها می‌روند آنها نیز همین اعتقادات را در مورد اولیاء دارند.

تطبیق عملی توسل مشروع (جایز) در عهد صحابه □

دعا عبادت است، چنانکه خداوند تبارک و تعالی دعا را عبادت نامیده فرمودند: وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (60)). سوره غافر.

[پروردگار شما می‌گوید: مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم. کسانی که خود را بزرگتر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت].

خداوند دعا را به عبادت تفسیر نمودند، بلکه بطور صریح و واضح در حدیثی که امام احمد و أبوداود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه و ابن

أبی حاتم و ابن جریر و ابن حبان و حاکم از رسول الله □ روایت کرده اند که فرمودند: ((إِنَّ الدَّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ)). دعا همان عبادت

است.

و امام أحمد از حدیث ابی‌پهریره □ روایت می‌کند که رسول الله □ فرمودند: ((من لم يدع الله عز وجل يغضب عليه)).

کسیکه خدا را نخواند، خدا بر او خشم و غضب می‌گیرد.

صحابه □ از این حدیث چنان فهمیدند که هر کس غیر از خدا را بخواند مشرک و کافر است، اگر هم طلب او از فرشته ای مقرب و یا پیامبری مرسل باشد، و آنها اینکار را در شدیدترین اوقات و مشکلات هم انجام نمی‌دادند.

در این باره این مثالی از زندگی صحابه بعد از وفات رسول الله □ می‌زنیم.

در خلافت عمر □ قحطی رخ داد، از عباس عم رسول الله □ درخواست شد تا از خدا برایشان طلب باران کند، وقتی در مصلی بودند عمر □ گفتند: ((اللهم إنا كنا نتوسل إليك بنبينا فتسقينا، وإنا نتوسل إليك بعم نبينا فاسقنا... فيسقون)).

خدایا ما به رسول تو توسل می‌کردیم، و تو بر ما باران فرود می‌آوردی، و در حال حاضر به عموی پیامبرت توسل می‌جوئیم، پس خدایا بر ما باران فرود آور... و خدا بر آنها باران فرود می‌آورد.

پس عباس □ دعا می‌کرد، و آنها آمین می‌گفتند.

چرا صحابه مانند اهل زمان ما از مردگان طلب کمک و شفاعت نکردند؟ در حالیکه آنها داناترین و آگاهترین مردم به حلال و حرام بودند، آنها بودند که پشت سر رسول الله □ به نماز ایستادند، و با او جهاد کردند، و با او به حج رفتند، و با او در مسجد نشسته خطبه گوش می‌کردند، و آنها بودند که از ادب و اخلاق او آموختند.

همچنین مسافرت بسوی قبور پیامبران یا اولیاء و مانند آن جایز نیست، زیرا اینکار به شرک منتهی می‌شود. پس به وسیله‌ها همان حکمی تعلق می‌گیرد که به اهداف و نیتها و مقاصد تعلق دارد.

به همین سبب می‌بینیم که رسول اکرم □ مسافرت بسوی قبرها را حرام نموده است: ((لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام ومسجدی هذا والمسجد الأقصى)).

سفر (بسوی مساجد) جایز نیست مگر بسوی سه مسجد: مسجد الحرام، و مسجد نبوی، و مسجد الأقصى.

و مقصود این است که سفر بسوی قبر شخص صالح و مانند آن صحیح نیست.

ما هم پیامبر را بیشتر از جان خود، و بیشتر از پدر و مادر و فرزند و اهل و مال خود دوست داریم، و صحابه □ و اولیاء و صالحین را نیز دوست می‌داریم، همچنین کسی که آنها را دوست داشت، او را دوست می‌داریم، و کسیکه با آنها عداوت و دشمنی نمود، با او دشمنی می‌کنیم، و می‌دانیم کسی که با ولی خدا دشمنی کند، با خدا به جنگ پرداخته است.

پس آیا دوست داشتن و محبت اینها موجب آن است که آنها را به جای خدا پرستش کنیم؟! و آنان را شبیه و مانند خدا بدانیم؟! و

به آنها توسل جوئیم؟! و بر قبرهایشان طواف کنیم؟! و برایشان نذر و ذبح و قربانی کنیم؟!

از اینجا پی می‌بریم و می‌فهمیم که طلب غیر از خدا به آنچه قدرت و توانائی آنرا ندارد شرک بخدای سبحانه و تعالی است، مانند کسیکه نزد قبر اولیاء و صالحین آمده و از آنها طلب نیاز بسیاری کنند، مانند شفای مریض، و بازگشت مسافر، و دادن فرزند به کسی که عقیم و نازاست، و پیدا کردن گم شده، اگر هم بگویند ما معتقدیم که همه چیز از خداست.

پس این معتقدات عیناً شرک زمان جاهلیت است که قبلاً ذکر شده و شرک اکبر نامیده می‌شود. و رسول الله ﷺ برای مبارزه با آن مبعوث شدند.

دلایلی بر اینکه طلب از اولیاء شرک اکبر است:

خداوند می‌فرماید: **فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (18)**. **سوره الجن**. [پس کسی را با خدا پرستش نکنید].

أحداً اینجا نکره در سیاق نهی است که بر عموم دلالت می‌کند، یعنی: هیچ چیز با خدا پرستش نمی‌شود، و اینکه طلب غیر از خدا شرک اکبر است که تمامی اعمال را نابود می‌کند، خداوند می‌فرماید: **وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا (23)**. **سوره الفرقان**.

[ما به سراغ تمام اعمالی که آنان انجام داده اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می‌سازیم].

و همچنین می‌فرماید: **أَيُّ شِرْكَونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ (191)** **وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (192)** **وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَىٰ الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءَ عَلِيكُمْ أَدْعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ (193)** **إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ فَأَدْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (194)** **اللَّهُمَّ ارْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْتَطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ (195)** **إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (196)** **سوره الأعراف**.

[آیا چیزهایی را انباز خدا می‌سازند که نمی‌توانند چیزی را بیافرینند و بلکه خودشان هم آفریده می‌شوند؟ انبازهای آنان نه

می‌توانند ایشان را یاری دهند و نه می‌توانند خویشان را کمک نمایند. (ای بت پرستان) شما اگر انبازهای خود را به فریاد خوانید تا

شما را هدایت کنند. پاسخ شما را نمی‌توانند بدهند و خواسته شما را بر آورده کنند. برای شما یکسان است، خواه آنها را به فریاد

خوانید، و خواه خاموش باشید. بتهایی را که بجز خدا فریاد می‌دارید و می‌پرستید، بندگان همچون خود شما هستند آنان را به فریاد

خوانید و اگر راست می‌گویید باید که به شما پاسخ دهند. آیا این بت ها دارای پاهایی هستند که با آنها راه بروند؟ یا دارای

دستمهایی هستند که با آنها چیزی را بگیرند؟ یا چشم هایی دارند که با آنها ببینند؟ یا گوشهایی دارند که با آنها بشنوند؟ بگو: این

بتهایی را که شریک خدا می‌دانید فرا خوانید و سپس شما و آنها همراه یکدیگر در مورد من نیرنگ و چاره جوئی کنید و اصلاً مرا

مهلت ندهید. بیگمان سرپرست من خدایی است که این کتاب (قرآن را بر من) نازل کرده است و اوست که بندگان شایسته را یاری

و سرپرستی می‌کند].



همه این آیه ها نصوص صریح و واضحی است در اینکه طلب غیر از خدا شرک اکبر است که فرد را از دایره اسلام خارج می‌کند. توسل مشروع و جایز

۱- توسل به ذات خدای تعالی جایز است، مانند اینکه بگوئی: یا الله.

۲- توسل به یکی از اسماء الله: یا رحمن، یا رحیم، یا حی، یا قیوم .

۳- توسل به صفات باری تعالی: اللهم برحمتک أستغیث خدایا به رحمت تو دادرسی و استغاثه می‌کنم (فریاد رسی می‌کنم). و مانند اینها.

۴- توسل به دعای مرد صالحی که زنده است و وجود دارد، مثلاً می‌گوئیم: ای شیخ برایم دعا کن، و مانند این، چنانکه صحابه □ از رسول الله □ طلب باران می‌کردند .

۵- توسل به عمل نیک و صالح: مانند قصه اصحاب غاری که صخره ای در غار را بر روی آنها بست، و خدا را با اعمال صالحی که انجام داده بودند دعا کردند، خداوند مشکل آنها را بر طرف کرد و از غار بیرون آمدند.

و ممکن است بگوئی: خدایا به دوستی و محبت من به پیامبرت، و توحیدم به تو، و طاعتم، به تو و رسولت، این چیز را به من بده. اما سؤال کردن و طلب تو به مقام پیامبر، و ولی، یا سوگندت به یکی از اینها، بدعتی است که تو را بسوی شرک می‌کشاند، و اگر هم تو را به شرک نکشاند، این نوع طلب حرام است، زیرا در اینجا سؤال کننده (طلب کننده) فقط از خداوند کمک خواسته است. اما سؤال و طلب از مردگان و یا شخص غیر حاضر بطور مباشر، شرک اکبر بشمار می‌رود.

و خداوند بندگان را ارشاد و راهنمایی کرده تا فقط او را بخوانند، و غیر از او را نخوانند، و وعده به اجابت داده است، فرمودند: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (186)). سورة البقرة.

[وهنگامیکه بندگانم از تو درباره من بپرسند من نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامیکه مرا بخواند پاسخ می‌گویم پس آنان هم دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند].

و فرمودند: وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (60)). سورة غافر.

[پروردگار شما می‌گوید: مرا بفریاد خوانید تا بپذیرم].

و ما را راهنمایی کرده تا تنها از او کمک بخواهیم، و ما در هر رکعت نماز چنین می‌گوییم: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5)). سورة الفاتحة.

[پروردگارا تنها تو را می‌پرستیم، و از تو یاری می‌جوییم].

با اینحال می‌بینی که بیشتر نمازگزاران اگر اجابت دعایشان به تأخیر افتاد، بسوی قبرها و ضریح رو می‌آورند و به آنها توسل می‌جویند، در حالیکه خداوند تواناست که فوراً دعای آنها را اجابت کند، ولی این یک نوع ابتلاء و امتحان برای بندگان می‌باشد،

چون حکمت الهی موجب شده تا بندگان خود را امتحان کند، و ممکن است اجابت بنده را بتأخیر انداخته تا صدق و راستی او را بداند، چون اگر صادق باشد بر شدائد و مصیبتها صبر کرده استوار می‌شود، و بجز خدا کس دیگری را نخواهد خواند، اگر هم کوهها بر سرش پایین آید، و یا زمین شکافته شده او را ببلعد، و این گونه اشخاص اعتماد و توکلشان بر خدا قوی و محکم است. پس مطمئناً خدا درخواست او را بدون جواب نمی‌گذارد و فرد دیگر در این امتحان به فتنه افتاده و فریفته می‌شود، ایمان او ضعیف شده، و شیطان اینکار را برایش زینت داده تا او را از دایره اسلام خارج نماید، و سوگند خود را برآورده کند هنگامی که گفت: قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۸۳)). سوره ص.

[گفت به عزت و عظمت سوگند که (در پرتو عمر جاویدان و تلاش بی امان) همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان مخلص تو از ایشان را (که بر آنان سلطه و قدرتی نداشته و وسوسه ام در ایشان نمی‌گیرد)].

و مصداق آن ابتلا و امتحانی که برای بشریت است، خداوند می‌فرماید: أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (۲) وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۳) سوره العنكبوت.

[آیا مردمان گمان برده اند همین که بگویند ایمان آورده ایم به حال خود رها می‌شوند و ایشان (با تکالیف و وظایف و رنجها و سختیهایی که باید در راه آئین آسمانی تحمل کرد) آزمایش نمی‌گردند؟ ما کسانی را که قبل از ایشان بوده اند (با انواع تکالیف و مشقات و با اقسام نعمتها و محنتها) آزمایش کرده ایم، آخر باید خدا بداند چه کسانی راست می‌گویند، و چه کسانی دروغ می‌گویند].

و می‌فرماید: أُولَآئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ (۱۲۶) سوره التوبة.

[آیا منافقان نمی‌بینند که در هر سالی، یکبار یا دوبار (و بلکه بیشتر) مورد آزمایش قرار می‌گیرند، بعد از آن توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند و بیدار و هوشیار نمی‌شوند].

به کسی غیر از رسول الله ﷺ اقتداء و تاسی نمی‌کنیم

متأسفانه افرادی که از دیدگاه مردم از جمله علماء بشمار می‌روند و یا صاحبان مقام و قدرت هستند مانند انسانهای جاهل و نادان نزد قبرها کارهایی انجام می‌دهند که در واقع از جمله گمراهان بشمار می‌روند.

و ممکن است مردم در این باره از آنها فتوی بخواهند، در جواب می‌گویند: حکم این چیز جایز و صحیح است، و از شرک بشمار نمی‌رود!!

و مردم به آنها اقتداء می‌کنند، ولی عاقل و دانا این کار را انجام نمی‌دهد، زیرا می‌گوید آنچه رسول الله ﷺ و سلف صالح انجام نداده اند، من آنرا انجام نمی‌دهم.

پس وقتی رسول الله ﷺ در تمامی زندگی خود غیر از خدا را نخواسته، و هیچ کس از او چنین کاری ندیده، نه در صلح و نه در آشتی، نه در وقت جنگ و نه در وقت شادی و مسرت، و نه در خوشی و خرمی و نه در شدت و سختی، بلکه آنچه از او ثابت شده اینکه هرگاه مشکل یا مصیبتی به او رسیده به بلال می‌گفت: ((یا بلال أرحنا بها)) [بخاری و أحمد].  
ای بلال ما را با نماز خواندن آرامش ده.

و ما در هر نماز این آیه را می‌خوانیم: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** (۵) **سورة الفاتحة.**

[پروردگارا تنها تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌خواهیم].

یعنی هیچکس غیر از تو نمی‌پرستیم، و از او یاری نمی‌طلبیم، بلکه فقط از تو کمک می‌خواهیم.

و خداوند در قرآن می‌فرماید: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** (۲۱) **سورة الأحزاب.**

[سرمشق و الگوی زیبایی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شماست].

و خداوند فرموده که: برای شما در اهل زمانتان قدوه حسن و خوبی است، (و نفرمود که: چرا به مردم زمانتان اقتداء و تأسی نکردید).

و بنگر که بنی‌اسرائیل هنگامی که در معصیت خدا از علماء و عابدان خود اطاعت کردند، خداوند چه فرمود: **اتَّخَذُوا آخْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ** (۳۱) **سورة التوبة.**

[یهودیان و ترسایان علاوه از خدا، علما دینی و پارسایان خود را هم به خدائی پذیرفته اند].

و هنگامی که عدی بن حاتم این آیه را شنید، گفت: ای رسول الله ما آنها را نمی‌پرستیدیم - چون قبل از اسلام در دین نصاری بود

- در جواب رسول الله ﷺ فرمودند: ((اليسو يحلون ما حرم الله فتحلون ويحرمون ما أحل الله فتحرمونه؟ قال: بلى، قال: فتلك عبادتهم)). [الترمذی ۲۵۹/۵].

آیا حلال نمی‌کردند، آنچه خدا آنرا حرام کرده بود، و شما نیز آنرا حلال می‌کردید، و حرام نمی‌کردند آنچه خدا آنرا حلال کرده بود، و شما نیز آنرا حرام می‌کردید؟ عدی بن حاتم در جواب گفت: بلی ای رسول خدا! آنحضرت ﷺ فرمودند: این همان عبادت کردن آنهاست.

ای برادر مسلمان: چه فرقی است بین کسی که بگوید: عیسی فرزند خداست، و بعضی از صفات الوهیت را دارد، چنانکه نصاری

چنین می‌گویند؛ و بین کسی که غیر از خدا را خواسته و معتقد است که به او یاری می‌دهد، و خواسته را برآورده می‌کند؟

نصاری زمانی مسلمانان را بر انجام اینگونه کارها ملامت می‌کنند، بجز عده کمی از مسلمانان که خدا به آنها رحم کرده و چنین

نیستند.

و این عمل با توجه به اینکه شرک بخدای متعال است، و نابود کننده اعمال است؛ مسلمانان را نیز از هم پراکنده می‌کند، زیرا نمی‌توانند با هم جمع شده، یکپارچه شوند وقتی که عقیده آنان یکی نیست، زیرا مخالف منهج و روش صحیح می‌باشند. جای تأسف است که بعضی از نصاری وقتی زندگی دوره جاهلیت را مطالعه می‌کنند، می‌گویند: اینها به بت پرستی پدران شان بازگشته اند، و فراموش کرده اند، یا خود را به فراموشی انداخته اند هنگامی که بخدا نسبت فرزند دادند، خداوند سبحان منزله است که از کسی زاده، یا کسی از او متولد شود. می‌فرماید: لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱) بسوره الشوری.

[هیچ چیزی همانند خدا نیست و او شنوا و بینا است].

وهاج للظلم والطغیان طوفان      لما ترکنا الهدی حلت بنا نقم

وقتی هدایت را ترک کردیم، عذاب و عقوبت بر ما فرود آمد، و ظلم و طغیان شدت گرفت و فراگیر شد.

طلب از غیر خدا اعمال نیک و کردار حسنه را محو و نابود می‌کند

ای برادر: هیچ شک و تردیدی نیست که طلب از غیر خدا گمراهی محض است، خداوند می‌فرماید: وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (۵) بسوره الأحقاف.

[چه کسی گمراه تر از کسی است که افرادی را بفریاد بخواند و پرستش کند که (اگر) تا روز قیامت (هم ایشان را بفریاد بخواند و پرستش کند) پاسخ نمی‌گویند؟ و اصلاً آنان از پرستش گران و بفریاد خواهندگان غافل و بی‌خبرند].

و گوش کن وقتی فرشتگان هنگام مردن روح آنها را می‌گیرند به آنها چه می‌گویند: جَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَيَّ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۳۷) بسوره الأعراف.

[تا آنگاه که فرستادگان ما (یعنی فرشتگان قبض ارواح) به سراغشان می‌آیند تا جانشان را بگیرند (بدین هنگام به ایشان) می‌گویند: معبودهایی که جز خدا می‌پرستیدید کجایند؟ (به ایشان بگویید بیایند و شما را از چنگال مرگ برابند!) می‌گویند: از ما نهان و ناپیدا شده اند و ما را ترک گفته اند آنان علیه خود گواهی می‌دهند و اعتراف می‌کنند که کافر بوده اند].

و انسان کافر عمل و کردار او محو و نابود است، خداوند می‌فرماید: وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا (۲۳) بسوره الفرقان.

[ما به سراغ تمام اعمالی که آنان انجام داده اند می‌رویم و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا می‌سازیم].

زیرا با امر و فرمان خدا و رسول خدا □ مخالفت کرده است.

مخالفت امر خدا در آیه فوق گذشت، ولی مخالفت امر رسول الله □ در معصیت اوست آنگاه امر کرد تا از غیر خدا چیزی خواسته نشود، چنانکه فرمودند: ((إِذَا سَأَلْت فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعَنْت فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ)). [أحمد].

اگر خواهش و درخواستی داشتی، آنرا از خدا بخواه، و اگر کمک و یاری خواستی، آنرا از خدا بخواه.

و شرک قطعاً مورد قبول نیست، و سبب نابود شدن اعمال نیک و صالح از نماز و روزه و حج می‌شود، خداوند می‌فرماید: وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶۵) سورة الزمر.

[به تو و به یکایک پیغمبران پیش از تو وحی شده است که اگر شرک ورزی کردارت (باطل و بی پاداش می‌گردد و) هیچ و نابود می‌شود، و از زیانکاران خواهی بود].

و می‌فرماید: إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ (۷۲) سورة المائدة.

[بیگمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دورخ) است].

پس ای برادر مؤمن از شرک و هر وسیله ای که به آن منتهی می‌شود مانند ساختن مساجد بر قبرها، یا قبری که نزد او قربانی شود، و امثال آن دوری گزین، چون پدرمان ابراهیم □ از افتادن در شرک می‌ترسید، چنانکه خداوند می‌فرماید: وَاجْتَنِبْ وَبَنِيَّ أَنْ تَعْبُدَ الْأَصْنَامَ (۳۵) سورة ابراهیم.

[خدایا من و فرزندانم را از پرستش بتها دور فرما].

خدایا ما را از طلب کردن آنها به غیر تو دور فرما.

امام ابراهیم التمیمی گوید: (چه کسی بعد از ابراهیم □ از بلا و مصیبت در امان است).

ای برادر بر تو واجب است که مردم را از این نادانی و عاداتهای جاهلی و شرکی که با اهل جاهلیت فرقی ندارد بر حذر داری، و اینکه طلب کردن را خالصاً برای خدا قرار دهند، و به ندای باری تعالی لبیک گویند هنگامی که فرمودند: وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (۶۰) سورة غافر.

[پروردگار شما می‌گوید: مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم].

و می‌فرماید: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۱۸۶) سورة البقرة.

[و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند من نزدیکم و دعای دعا کننده را هنگامیکه مرا بخواند پاسخ می‌گویم، پس آنان هم دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند].

بعضی از وسائل شرک

لازم است بدانیم که از جمله وسائل شرک نماز در مساجدی است که در آنها قبر است، و نماز در آن مساجد باطل است، چنانکه

رسول الله □ می‌فرماید: ((لعن الله اليهود والنصارى اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد)). [بخاری و مسلم از حدیث عائشه].

خدا لعنت کند یهود و نصاری که قبرهای پیامبران خود را به مساجد تبدیل کرده اند.

در مورد قبر پیامبر ﷺ و قرار گرفتن آن در مسجد هیچ حجت و برهانی نیست، چون در خانه اش دفن شده است، و خانه اش مسجد نیست، زیرا وفاتش در خانه بوده، و هر پیامبری در همانجا که وفات یافته دفن می‌شود، چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است، و همچنین ابوبکر و عمر رضی الله عنهما نیز در حجره ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها با پیامبر ﷺ دفن شده اند. پس بایستی متوجه این شبهه که بعضی از افراد آنرا ایجاد کرده اند باشیم.

از جمله شبهه هائی که اهل باطل آنرا ادعا می‌کنند

چرا از اولیاء یاری نخواهیم در حالیکه خداوند در باره آنها چنین می‌فرماید: **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۲)**.  
سوره یونس.

[بدان که دوستان خدا نه بیمی بر آنان است، و نه آنان اندوهگین شوند].

ما فقط بخاطر جاه و منزلت آنان نزد خدا آنها را می‌خوانیم، چون صالح و نیکوکارند و در نزد خدا مقام دارند، و ما بخاطر آنچه که خدا به آنان داده آنها را می‌خوانیم.

علمای موحد اهل سنت و جماعت در صدد رد به این شبهه بر آمده و جواب داده اند که: بقیه آیه را بخوانید تا بریتان واضح گردد:  
**الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۶۳)** سوره یونس.

[آنانکه ایمان آورده اند و پروا می‌کردند].

خداوند تعریف اولیاء را چنین بیان کرده: بخدا مؤمن هستند، و از کردار و اعمالی که خدا از آن خشم و غضب می‌گیرد و کراهت دارد، پرهیز می‌کنند، و از بزرگترین اعمالی که خدا به آن خشم می‌گیرد و کراهت دارد، شرک و توسل بغیر از خداست، پس چگونه اولیاء راضی می‌شوند تا دیگران به آنها توسل جویند، بلکه خداوند در روز قیامت به اولیاء خود می‌فرماید: **أَهْوَأُ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ (۴۰)** قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ (۴۱) سوره سبأ.

[آیا اینان شما را می‌پرستیدند؟ گویند پاک و منزهی، تو کارساز مایی نه آنان، بلکه جن را می‌پرستیدند، بیشترشان به آنها باور داشتند].

و رسول الله با مشرکین عرب به جنگ پرداخت در حالی که به توحید ربوبیت اعتراف داشتند، آنها هم اینکه: خدا خالق و رازق و مدبر تمامی امور در آسمان و زمین است، با آنها جنگ کرد در حالی که در باره اولیاء میگفتند: **هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ (۱۸)** سوره یونس.

[این (بتها) شفیع ما نزد خدایند]. با اینحال شفاعت آنها از مرده صالحین و غیره به آنها نفعی نرساند.

از خداوند متعال خواستارم که من و شما و جمیع مسلمانان را به آنچه رضا و خشنودی اوست موفق دارد.

و ما را بر ملت پدرمان ابراهیم و سنت پیامبرمان محمد النبی الامی الامین ثابت قدم و استوار گرداند، تا اینکه خدا را ملاقات کرده و هیچ فتنه و محرومیتی از رحمت خداوندی بر ما وارد نشده باشد. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین .